

به نام خدا

عنوان مقاله:

بررسی موانع تحقق کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و راهکارهای تقویت آن

سید محمود حسینی^۱

جعفر یعقوبی^۲

jyaghoobi@ut.ac.ir

^۱ - عضو هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

^۲ - عضو هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زنجان و دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

چکیده

علی رغم گسترش روزافزون دانشکده های کشاورزی در کشور، چراهنوز کشاورزی ایران از توسعه شایسته خودبازمانده است؟ زمانی عقیده براین بود که گسترش دانشکده های کشاورزی و تربیت نیروی تحصیلکرده منجر به توسعه کشاورزی خواهد شد. لذا در این راستا قدمهای زیادی برای تربیت نیروی انسانی ماهر برداشته شد بطوریکه امروزه به جرات می توان گفت کشورمان در زمینه نیروی تحصیلکرده کشاورزی، البته به لحاظ کمی، نه تنها کمبودی ندارد بلکه مشکل بیکاری انبوه فارغ التحصیلان این بخش خود به معضل عمده دیگری تبدیل شده است. به راستی برای رسیدن به توسعه قابل قبول در بخش کشاورزی چه باید کرد؟ با بررسی روند رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته، مشخص می شود که کارآفرینان در رشد اقتصادی و اشتغال زایی نقش زیادی داشته اند. یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف بویژه آموزش عالی تربیت فارغ التحصیلان خلاق و کارآفرین می باشد. نگاهی اجمالی به کارایی فارغ التحصیلان رشته های کشاورزی و توانمندیهای عملی آنها برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی کشور نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند می باشد که آموزش عالی در رسیدن به این مهم از کارایی چندانی برخوردار نبوده است. سوالی که مطرح می شود این است که موانع تحقق کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی ما کدامند؟ آیا راهکارهایی برای رفع این موانع وجود دارند؟ مطالعه حاضر با هدف پاسخگویی به این سوالات انجام گردیده است. برای رسیدن به هدف فوق از روش مطالعات کتابخانه ای و مصاحبه استفاده شده است. بررسی ادبیات موضوع نشان میدهد آموزش عالی برای تربیت فارغ التحصیلان کارآفرین نیازمند یک سری مشخصه هایی از قبیل ایجاد محیط انتقادی، آموزش عملی، و.. می باشد. با بررسی نظام مند آموزش عالی کشاورزی کشورمان در ارتباط با این خصیصه ها ضعف و ناکارایی آن در بخشی از زمینه ها مشخص گردید. در بخش بعدی مطالعه، تجربیات موفق صورت گرفته در داخل کشور از جمله تجربه دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه فردوسی مشهد و همچنین تجارب کشورهای دیگر از جمله تجربه کشور استرالیا مورد بررسی قرار گرفت و براساس آن راهکارهایی برای تقویت کارآفرینی در آموزش عالی کشور ارائه می گردد.

واژه های کلیدی: کارآفرینی، آموزش عالی، اشتغال

Assessing barriers of entrepreneurship in agricultural higher education and approaches for encouraging it

Abstract

The number of agricultural colleges was increased in Iran, but our country couldn't carry out appropriate development. The numbers of agricultural colleges were increasing during last decades, but now unemployment of agricultural graduate is one of the most problems in Iran. There is a question that how we can have appropriate agricultural development. Assessing the growth process of developed countries show that entrepreneurs had significant role in this process. Providing creative and entrepreneur graduate is one of the most functions of agricultural higher education. Unfortunately, agricultural higher education in Iran hasn't successful in this area. What are the barriers of successful agricultural higher education and how we can solve them? The purpose of this study is answering this question. Literature review indicated that successful agricultural higher education needs some characteristics including critical environment, practical education and et al. the successful experiments such as experiment of Razi University in Kerman shah and haxbery model in Australian are considering and in the base of these experiments, some approaches for encouraging entrepreneurship in agricultural higher education are offered.

Key words: entrepreneurship, agricultural higher education, employment

زمانی عقیده بر این بود که گسترش دانشکده های کشاورزی و تربیت نیروی تحصیلکرده منجر به توسعه کشاورزی خواهد شد. در این راستا قدمهای زیادی برای تربیت نیروی انسانی ماهر برداشته شده است که نگاهی اجمالی به تعداد پذیرش دانشجویان در رشته های کشاورزی کنکور سال جاری از یک سو و ظرفیت پذیرش دانشگاه آزاد در این رشته ها از سوی دیگر به روشنی بیانگر توجه جدی و کافی به این مقوله می باشد. بطوری که امروزه از نظر تعداد فارغ التحصیلان و دانشجویان رشته های کشاورزی به نظر می رسد کمبودی وجود نداشته باشد. پس اگر از نظر تعداد نیروی تحصیلکرده کشاورزی کمبودی نداریم، چرا کشاورزی ما آنطور که باید، رشد نکرده است؟ واقعیت امر این است که تربیت شدگان آموزش عالی ما در زمینه کشاورزی، فاقد قابلیت ها و مهارت های عملی و کاربردی لازم هستند، تمایل بسیار شدیدی این فارغ التحصیلان به جذب در نهادهای دولتی و رضایت آنها به استخدام در این واحدها، حتی با حقوق و مزایای بسیار ناچیز، نشانه بارز و گویایی بر این واقعیت است. در مقابل، این افراد به کار تولیدی رغبت چندانی از خود نشان نمی دهند و اکثرا این گونه کارها را شغلی پرزحمت، کم درآمد و دور از شأن یک فارغ التحصیل دانشگاهی تلقی می کنند. در صورتی که انتظار مسوولین و جامعه از فارغ التحصیلان کشاورزی این است که علاوه بر اشتغال خود، برای افراد دیگر جامعه نیز کار ایجاد کنند و در توسعه کشاورزی نیز نقش اساسی ایفا نمایند.

با بررسی روند رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته، مشخص می شود که کارآفرینان در رشد اقتصادی و اشتغال زایی نقش زیادی داشته اند. یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف بویژه آموزش عالی تربیت فارغ التحصیلان خلاق و کارآفرین می باشد. نگاهی اجمالی به کارایی فارغ التحصیلان رشته های کشاورزی و توانمندیهای عملی آنها برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی کشور نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند می باشد که آموزش عالی در رسیدن به این مهم از کارایی چندانی برخوردار نبوده است. سوالی که مطرح می شود این است که موانع تحقق کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی ما کدامند؟ آیا راهکارهایی برای رفع این موانع وجود دارند؟ مقاله حاضر با هدف پاسخگویی به این سوالات انجام گردیده است. پیشاپیش یادآور می شود که مطالعه از نوع کتابخانه ای می باشد، لذا انتظار نمی رود از فرمت مقاله های میدانی تبعیت نماید هرچند که سعی می شود تا حد ممکن این فرمت را رعایت نماید.

هدف

هدف عمده نوشتار حاضر استدلال روی مفاهیم و اهمیت کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و تعیین موانع تحقق کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی در کشور و همچنین ارائه راهکارهایی برای تقویت کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی با توجه به تجربیات موفق انجام گرفته در این زمینه می باشد.

روش تحقیق

همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، این مطالعه از نوع تحلیلی بوده که به روش مطالعه کتابخانه ای صورت گرفته و در قالب مقاله حاضر ارائه گردیده است. آنچه که در دنباله مطالب خواهد آمد، بحث روی پیدا کردن پاسخ برای سوالات مطرح شده از طریق ادبیات موضوع و تجارب موجود است و در انتها ضمن جمع بندی و نتیجه گیری، پیشنهادهایی نیز عرضه خواهد شد.

اهمیت موضوع

کار آفرینی با کارکردها و پیامدهای مثبتی که دارد، به عنوان راه حلی اساسی برای رفع بسیاری از مشکلات و بحرانهای داخلی و باقی ماندن در عرصه رقابتهای جهانی، از سوی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است.

کشورهای مختلف به سه دلیل برای موضوع کار آفرینی اهمیت قایل شده و به آن پرداخته اند که عبارتند از:

۱- ایجاد و توسعه تکنولوژی

۲- تولید ثروت در جامعه

۳- ایجاد اشتغال

در شرایط فعلی کشور و نیز روند تغییرات بین المللی و پدیده جهانی شدن اقتصاد و با توجه به سه دلیل مذکور، لازم است تا موضوع توسعه کار آفرینی به عنوان برنامه ای راهبردی تلقی و به آن پرداخته شود.

از طرفی، اشباع ظرفیت های استخدامی دولتی و ناتوانی بخش خصوصی در به کار گیری افراد جویای کار موجب شده که در سالهای اخیر مشکل بیکاری در بین دانش آموختگان دانشگاهی به شدت خود نمایی کند که در صورت عدم توجه به این موضوع و پیش بینی نکردن راهکارهای اساسی و مناسب برای رفع این معضل که در حال حاضر مشکلات اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به وجود آورده، جامعه ما را در آینده ای نه چندان دور با بحرانها و چالشهای خطرناک مواجه می نماید .

مساله دیگری که باید به آن اشاره کرد تغییر نیاز های کشور به سمت جذب نیروهای تحصیل کرده و متخصص است. برای استفاده از فرصت های جدید در عرصه جهانی و پاسخگویی به نیاز های فعلی جامعه در ارتباط با نیروی انسانی متخصص، می بایست در راستای تغییر الگوهای آموزشی، پژوهشی و مهارتها و توانایی هایی که مورد استفاده قرار می گیرد، اقدام نمود.

کارآفرینی چیست؟

بنا به گفته هافر و بیگریو، علم خوب باید با تعاریف خوب آغاز شود. تعاریف بخصوص در کارآفرینی مهم هستند چراکه بسیاری از واژه ها در عمل رابطه نزدیکی با هم دارند مثل کارآفرین¹، کار متهورانه² و کسب و کارهای کوچک که اغلب بجای یکدیگر استفاده می شوند. هنری و دیگران به نقل از جولین و برویات (۲۰۰۰) استدلال می کنند که «تعریف صحیح یک واژه زیربنایی است در خدمت سؤالات تحقیق که در یک زمان معین برای یک جامعه علمی سودمند هست. تعجب آور نیست که تعاریف بسیاری از کارآفرین و کارآفرینی در ادبیات تحقیق وجود دارد.

کارآفرین اینگونه تعریف شده است:

مالک یا مدیر یک کسب و کار مهم که با ریسک و ابتکار عمل، در جهت کسب سود تلاش می کند (فرهنگ انگلیسی کالینز).

کارآفرینان کسانی هستند که توانایی دیدن و ارزشیابی فرصتهای کسب و کار، جمع آوری منابع لازم برای گرفتن سود از آنها، و شروع فعالیت مناسب برای کسب موفقیت را دارا می باشند (Henry et al. 2003).

راجع به کارآفرینی، تعدادی از نویسندگان روی عمل و زمینه متمرکز شده اند. هنری و دیگران به نقل از لاو و مک میلان (۱۹۸۸) کارآفرینی را ایجاد کاری مهم و جدید تلقی می کنند که البته ممکن است در تعدادی از زمینه ها صورت بگیرد. برحسب یادآوری هنری و دیگران به نقل از پلاتو و بیگریو (۱۹۸۹) کارآفرینی را بعنوان یک جریان شدن توصیف می کند تا یک حالت بودن. دیگر نویسندگان نیز بر فرایند و جنبه های مختلف آن تمرکز می کنند:

¹ Entrepreneur

² Enterprise

فرایند خلق چیزهای مختلف و ارزشمند با اختصاص وقت و کوشش لازم، تقبل خطرات مالی، روحی و اجتماعی همراه و دریافت مزدهای ریالی و رضایت شخصی منتج شده.

فرایند شناسایی فرصتها در بازار، مرتب کردن منابع برای تعقیب این فرصتها و تحقق فعالیتها و منابع لازم برای بهره برداری از فرصتها به منظور سود شخصی دراز مدت

خلق یک ماهیت جدید اقتصادی متمرکز بر تولیدی تازه یا خدمتی تازه یا حداقل چیزی که با تولیدات یا خدماتی که در جای دیگر بازار عرضه می شود، تفاوت معنی داری داشته باشد (Henry et al. 2003).

هنری و دیگران به نقل از برویات و جولیان (۲۰۰۰) یک اظهار عقیده جالب توجه مطرح می کنند که همانطوری که کارآفرینی همراه با فرایند تغییر، ظهور و ابداع ارزش جدید است، همچنین یک فرایند تغییر و ابداع برای کارآفرین هم است. شاید رایجترین تعریف کارآفرین این باشد: «کسی که خودش کسب و کاری را آغاز می کند». یعنی خلق یک کار مهم، که به این فرض منتهی می گردد که کارآفرینی هنری برای شروع یک کسب و کار شخصی است، هر آموزش و پرورشی درباره آن فرد را با مهارتها و تواناییهای لازم برای انجام آن کار آماده خواهد کرد. با وجود این دراکر (۱۹۸۵)، یک دیدگاه بسیار ویژه دارد: (Henry et al. 2003).

برای کارآفرینانه بودن، یک کار متهورانه باید خصوصیات ویژه ای فراتر و بالاتر از جدید بودن داشته باشد..... کارآفرینان در میان کسب و کارهای جدید یک اقلیت هستند. آنها چیز جدیدی، چیز متفاوتی خلق می کنند، آنها ارزشها را تغییر می دهند یا تبدیل می کنند... آنها تغییر را بعنوان هنجار تلقی می کنند.

آیا کارآفرینی می تواند آموزش داده شود؟

علی رغم اینکه بحث های زیادی در ارتباط با این موضوع که آیا کارآفرینی قابل آموزش دادن است یا نه، همچنان در جریان می باشد، علاقه فراوانی برای آموزش کارآفرینی در چند دهه گذشته وجود داشته است. برای مثال هنری و دیگران به نقل از گیب (۱۹۹۳) در اوایل دهه ۱۹۹۰ مشاهده کرد که فعالیت های بسیاری در سراسر جهان در ارتباط با آنچه که در سطح وسیع به عنوان حوزه آموزش کارآفرینی و داد و ستد در مدارس و دانشگاهها نامیده می شد، انجام شده است. و این حقیقت تعجب برانگیز نیست که این فعالیت بر اساس یک مبنای جهانی رخ می دهد و تغییرات زیادی در نوع مدلها و مخاطبانش و راههای انجام آنها می توان مشاهده کرد. بنابراین بسیار دشوار است که به خاطر وجود تغییرات زیادی در این حوزه دست به

مقایسه بزینیم، نه تنها در اهداف برنامه بلکه در معنای کلماتی که برای توضیح و تفسیر دوره ها استفاده می شود. به عنوان مثال هنری و دیگران به نقل از گیب (۱۹۹۳) بیان می کنند که در دهه هشتاد در بریتانیا برنامه های مختلفی به منظور گسترش و بهینه سازی مفهوم داد و ستد طراحی شد و مورد حمایت بخش خصوصی و دولتی قرار گرفت (Henry et al. 2003).

علی رغم فراخوان های زیادی که در مورد شفاف سازی بیشتر این مفاهیم صورت گرفته اما همچنان این سردرگمی و ابهام وجود دارد. به عنوان مثال یکی از نتایج بررسی و تحقیق که هنری و دیگران به نقل از توسط گرمن و همکارانش (۱۹۹۷) بر روی ادبیات آموزش کارآفرینی انجام شده، نیاز به شفاف سازی و روشن سازی در مفاهیم و تفاوت قائل شدن بین کارآفرینی، داد و ستد و آموزش مدیریت کسب و کارهای کوچک می باشد و همچنین به دقت در تمیز هر یک از این مفاهیم از روشهای قدیمی آموزش مدیریت تأکید شده است. این ابهام بسیار تعجب برانگیز است زیرا همانگونه که لاکانن (۲۰۰۰) اشاره می کند معمولاً این حوزه خود بین کارآفرینی و مالکیت کسب و کارهای کوچک تفاوت قائل می شود که مورد اول به کسب و کارهای جدید و تولید سرمایه و ثروت و مورد دوم به مدیریت و چگونگی نتایج حاصل از کسب و کارها در محیطها و شرکت های کوچک مرتبط است. (Henry et al. 2003).

در ایالات متحده جایی که به مدت چهار سال است که علاقه و تلاش برای آموزش کارآفرینی وجود دارد، از عنوان آموزش کارآفرینی استفاده شده است. در ایالات متحده آموزش کارآفرینی تنها در محیط دانشگاهی که رواج زیادی در آنجا دارد، انجام نمی پذیرد و بر اساس گفته های سکستون و همکارانش (۱۹۹۷) سمینارهای زیادی در مورد کارآفرینی توسط مشاوران خصوصی و شرکت های بازرگانی برگزار می شود. در واقع به نظر می رسد که علاقه موجود در حیطه آموزش کارآفرینی چه در بین دانشگاهیان و چه در بین متخصصین این امر، از بین رفتنی نباشد. اگرچه آنچنان که باید چنین مسئله ای در ادبیات کارآفرینی نشان داده نشده است اما مسئله آموزش و تعلیم و تربیت کارآفرینی توجه بسیاری را به خود جلب کرده است و تحقیقات در این زمینه در حال افزایش است. گیب (۲۰۰۰) بیان می دارد که رشد قابل توجهی نه تنها در ادبیات دانشگاهی در این حوزه بلکه در ادبیات عادی شامل مطبوعات، مقالات و مجلات تخصصی و همچنین گزارش های کارشناسانه، به چشم می خورد. گرمن و همکاران (۱۹۹۶) در گزارشات خود آورده اند که نتایج مطالعاتی که توسط آنها ارزیابی شده اند، نشان دهنده این است که کارآفرینی می تواند آموزش داده شود و یا حداقل با آموزش دیدن، توسعه پیدا کند. یافته های گرمن و همکاران (۱۹۹۷) نتایج بدست آمده از تحقیق وسپر (۱۹۸۲) بر روی استادان دانشگاههای آمریکا که دلالت بر وجود توافق بسیار به قابل آموزش بودن کارآفرینی داشت، را تأیید می کنند. در تأیید این نظر، کانتر (۱۹۸۸) معتقد

است که بر اساس تحقیق او بر روی ۴۰۸ دانشجوی رشته کارآفرینی در آنتاریو، بسیاری معتقد بودند که اکثر خصوصیات و توانایی های کارآفرینی می توانند آموزش داده شوند در حالیکه توانایی ها بیشتر از خصوصیات قابل آموزش به نظر می رسند. این عقیده با یافته های تحقیق کلارک و همکاران (۱۹۸۴) که نشان می دهد آموزش مهارت های کارآفرینی به ایجاد و موفقیت کسب و کارهای جدید کمک می کند، سازگاری و همخوانی دارد. (Henry et al. 2003).

شفرود و داگلاس (۱۹۹۶) در بررسی نقش مدارس در توسعه کارآفرینی به این نکته اشاره می کنند که بسیاری از اساتید این حوزه به آموزش تفکر منطقی مشغولند در حالیکه می بایست تفکر کارآفرینی را آموزش دهند و بیان می دارند که تفکر منطقی ممکن است به پاسخهای غلط و ناکارآ ختم شود. (Henry et al. 2003).

موانع آموزش عالی کشاورزی در تربیت فارغ التحصیلان کارآفرین

با توجه به مباحث مطرح شده، اهمیت کارآفرینی و تربیت فارغ التحصیلان کشاورزی کارآفرین مشخص می شود.. سوالی که در این زمینه مطرح می شود این است که موانع تربیت فارغ التحصیلان کارآفرین در آموزش عالی کشور ما کدامند. برای پاسخ به این سوال توجه به تاریخچه شروع آموزش کشاورزی در ایران می تواند راه گشا باشد. با بررسی نحوه شروع آموزش عالی کشاورزی در ایران مشخص می شود که سیستم فعلی آموزش عالی از خارج وارد شده و در واقع آموزش عالی کشاورزی با ساختار موجود فعلی از غرب وارد کشور شده است و لذا رابطه مناسبی بین محیط واقعی روستاها و بخش کشاورزی کشور با آموزش عالی وجود ندارد. این موضوع یکی از موانع اصلی در نزدیک نمودن محتوا و ماهیت آموزش عالی به شرایط واقعی محیط روستا و کشاورزی را موجب شده است. (حسینی، ۱۳۸۴).

مانع عمده دیگری که درمقابل افزایش کارایی آموزش عالی قرار دارد فاصله جغرافیای ایجاد شده بین محیط آموزشی و محیط واقعی کشاورزی می باشد که خود به خود منجر به ایجاد موانع دیگری در زمینه ارتباط دانشجویان و در نتیجه فارغ التحصیلان کشاورزی با کسب و کارهای مرتبط با کشاورزی می گردد.

همانطور که در مباحث بالا مطرح شد کارآفرینی ارتباط مستقیمی با خلاقیت و نوآوری دارد. لذا یکی از لازمه های تقویت کارآفرینی در میان دانشجویان، ایجاد محیطی مشوق ابتکار و خلاقیت دانشجویان می باشد که لازمه ایجاد چنین محیطی فراگیر محور بودن دانشگاهها و محیطهای آموزشی می باشد. توجه به واقعیت های موجود در دانشگاهها و از جمله

دانشکده های کشاورزی گویای این واقعیت است که دانشگاهها بیشتر متوا محور و در برخی موارد آموزشگر محور می باشند.

تجارب موفق در زمینه بهبود کیفیت کارایی دانشجویان و فارغ التحصیلان

درسال تحصیلی ۷۸_۷۷، مدیریت مزرعه دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه اقدام به اجاره زمینهای زراعی دانشکده به دانشجویان نمود. اگر چه در ابتدا دانشجویان رغبتی به این کار نشان نمی دادند ولی باتشویقها و حمایتهای مکرر مسئولین دانشکده و به خصوص مدیرمزرعه آموزشی، حدود ۲۵ هکتار زمین زراعی با هدف آموزش به دانشجویان واگذار گردید. در این راستا یک کمیته دانشجویی تشکیل گردید و کلیه مسئولیتها و کارهای مربوط به مزارع دانشجویان به این کمیته واگذارشد. در مراحل اولیه این طرح با تمهیداتی که از سوی مدیریت مزرعه آموزشی دانشکده کشاورزی صورت گرفته بود تلفیق آموزشهای تئوری و عملی در مزارع اجاره شده توسط دانشجویان به عنوان هدف اصلی انتخاب شد. همانطورکه انتظاری رفت این کار، نتیجه بسیارخوبی به همراه داشت به طوری که در مدت کوتاهی باعث تغییر و بهبود نگرش این دانشجویان به کارهای تولیدی و عملی کشاورزی گردید. این دانشجویان اظهارمی داشتند "اگر کار کشاورزی با به بکارگیری روشهای علمی همراه گردد، نتیجه و سود بسیار خوبی در پی خواهدداشت "ویا" به راحتی می توان ازیک هکتارزمین زراعی معادل دوبرابر حقوق سالیانه یک کارمند دولت ،محصول برداشت نمود".

اظهاراتی ازاین قبیل از طرف دانشجویانی که عملا وارد کار کشاورزی شده وبه ازاء درآمد بالای یک میلیون تومان از هر هکتارکسب کرده بودند و تقاضای بیش از ۲۵۰ نفر از دانشجویان پسر و دختر برای اجاره زمین از دانشکده برای کشت در سالهای بعد و کسب موفقیت و انگیزه بیشتر در نتیجه این کارها و همچنین تجربه مشابه انجام شده در دانشگاه مشهد، به خوبی اثربسیار مثبت تلفیق دروس عملی باتئوری را در علوم کشاورزی نشان می دهند که نبایستی از آن غفلت نمود.

از جمله تجارب مفیدی که در زمینه بهبود کیفیت آموزش عالی صورت گرفته می توان به تجربه دانشکده هاگزبری در کشور استرالیا اشاره نمود. در این دانشکده بر شیوه آموزش تجربی و بر کسب مهارتهای عملی و کاربردی کشاورزی توسط تاکید می شود.

نتیجه گیری و پیشنهادات

با بررسی روند رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته، مشخص می شود که کارآفرینان در رشد اقتصادی و اشتغال زایی نقش زیادی داشته اند. یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف بویژه آموزش عالی کشاورزی تربیت فارغ التحصیلان خلاق و کارآفرین می باشد. نتایج بررسی در زمینه کارایی فارغ التحصیلان رشته های کشاورزی و توانمندیهای عملی آنها برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی کشور نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند می باشد که آموزش عالی در رسیدن به این مهم از کارایی چندانی برخوردار نبوده است و مهمترین ضعف آموزش عالی ما در حال حاضر این است که از تربیت یک مدیر مزرعه ماهر ناتوان است. سیستم آموزش عالی ما بایستی این قابلیت را داشته باشد که فارغ التحصیلی تحویل جامعه بدهد که هم در علوم تئوری وهم در عمل دارای تبحر کافی باشد به طوری که بتواند یک مزرعه چند هکتاری و یا یک واحد تولیدی خصوصی را به خوبی ادا ره کند. اگر در سیستم دانشگاهی ما در طول دوره تحصیل به دانشجویان این فرصت داده شود که در کنار دروس تئوری "که اهمیت آن کمتر از مهارتهای عملی نیست " عملاً درگیر کار کشاورزی شوند، این باور در دانشجویان بوجود می آید که اگر بذر به دست آنها کاشته شود سبز خواهد گردید، که اگر ما بتوانیم این باور را در دانشجویان و فارغ التحصیلان کشاورزی بوجود بیاوریم، بسیاری از مشکلات فعلی ما از جمله عدم رغبت این افراد به کار تولیدی، رفع خواهد شد. در این راستا توجه به کاربردی کردن این دروس و ارائه دروسی در زمینه تقویت روحیه کارآفرینی در دانشکده های کشاورزی و استفاده از تجارب انجام شده در دانشگاههای مختلف از جمله تجربه دانشگاه رازی می تواند کمک بسیار موثری در بهبود و اصلاح هر چه بهتر این آموزش عالی در جهت ارتقای قابلیت های دانشجویان و فارغ التحصیلان کشاورزی ایفا نماید.

منابع و مأخذ

۱. نصیری قیداری، حسن. (۱۳۸۱). بسترسازی کارآفرینی، همت همگانی می‌طلبد. مجله بازاریابی. شماره ۲۲، دی ماه،

صص ۷-۱۱-۲-۳

۲. یعقوبی، جعفر. (۱۳۸۲). کارآفرینی در کشاورزی. ماهنامه الکترونیکی ترویج و توسعه روستایی، شماره ۲، اردیبهشت

ماه، صص ۲۰-۲۵.

۳. مقیمی، محمد و محمود احمدپور داریانی. (۱۳۸۱). طراحی دوره های آموزش کارآفرینی برای کارآفرینان صنایع

کوچک و متوسط که در مرحله بهره برداری قرار دارند. مجله بازاریابی. شماره ۲۲، دی ماه. صص ۳۷-۳۸.

۴. پاپ زن، عبدالحمید (۱۳۸۲). کدامین استراتژی برای حل مشکل بیکاری در ایران: توسعه سخت افزار و یا مغز افزار.

دومین کنفرانس اشتغال و توسعه. تهران. آبان ۱۳۸۲

۵. حسینی، سید محمود (۱۳۸۴). آموزش کشاورزی کارآفرینانه. جزوه درسی دوره دکتری آموزش کشاورزی. تهران:

دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران

۶. سازمان سنجش آموزش کشور. (۱۳۸۲). کلیات طرح کارآفرینی در دانشگاهها (کاراد). سایت اینترنتی سازمان سنجش

<http://www.sanjesh.org>

7. Don Mackie. (2002). Entrepreneurship in Rural America Southern. Rural Development Center's quarterly newsletter. Available [on line] at WWW:

www.ruraleship.org/content/pdf/Article-SRRD%20Center.pdf

8. Henry, Collette, frances hill and Claire litch (2003). Entrepreneurship education and training. London: Ashgate

9. Lescevic Maira. (2002). Rural Entrepreneurship Success Determinants. Available [on line] at WWW:

www.kc.frb.org/PUBLICAT/MainStreets03/RC03_Dabson.pdf

10. Brian Dabson. (2002). Supporting Rural Entrepreneurship. . Available [on line] at WWW:

www.kc.frb.org/Publicat/Exploring/RC01Dabs.pdf